

دوربین عکاسی

آنسل آدامز

با همکاری رابرت بیکر

ترجمه پیروز سیار

سروش

تهران ۱۳۹۷

شماره ترتیب انتشار: ۵۰۸/۷

فهرست کوتاه

هفت	مقدمه مترجم
پانزده	پیشگفتار
۱	۱. پیش نگری
۹	۲. دوربینهای قطع کوچک
۲۳	۳. دوربینهای قطع میانگین
۳۳	۴. دوربینهای قطع بزرگ
۴۹	۵. عدسیهای دوربین
۸۹	۶. مسدودگرها
۱۰۷	۷. پایه‌های آرایش تصویر
۱۲۳	۸. دوربینهایی که در دست گرفته می‌شوند
۱۳۹	۹. دوربینهای بر روی سه پایه
۱۵۹	۱۰. تنظیمهای اتاقک عکاسی
۱۸۳	۱۱. نورسنجها و متعلقات
۲۰۱	۱۲. وسایل و فنون با کار برد ویژه
۲۱۵	پیوست
۲۲۱	واژه نامه فارسی-فرانسه
۲۲۹	واژه نامه فرانسه-فارسی
۲۳۷	فهرست راهنما

فصل اول

پیش‌نگری

اصطلاح پیش‌نگری به تمامی فرایندهای حس‌ی و ذهنی آفرینش عکس مربوط می‌شود؛ و در این خصوص، یکی از مهم‌ترین مفهومی‌های عکاسی است. این کار مستلزم توانایی دیدن عکس پایانی است پیش از آن که عکسبرداری صورت پذیرد، به گونه‌ای که شیوه‌های به‌کار گرفته شده در به‌دست آمدن نتیجه مورد تمایل سهیم گردند. این مرحله از فرایند آفریننده می‌تواند به‌کار بسته و آموخته شود؛ فراسوی آن، قلمرو دید شخصی و شهود، و چشم آفریننده هر کس است که نمی‌تواند آموخته شود، اما می‌تواند باز شناخته و تشویق گردد.

عکاسی شامل رشته‌ای از عامل‌های پیوسته مکانیکی، نوری و شیمیایی می‌گردد که میان موضوع عکاسی و خود عکاسی گسترده می‌شوند. هر مرحله از فرایند ما را هر چه بیشتر از موضوع دور می‌سازد، در عین آن که به چاپ نهایی نزدیک‌ترمان می‌کند. حتی واقع‌ناترین عکس با موضوع خود خلط نمی‌شود، بلکه به واسطه اثرهای مختلف مرتبط با دستگاه عکاسی از آن فاصله می‌گیرد. عکاس می‌تواند افزودن یا کاستن این «شر و عهای از واقعیت» را انتخاب کند، اما نمی‌تواند آنها را از میان بردارد.

جریان‌یابی فرایند عکاسی از دستگاه بدنه / عدسی / مسدودگر آغاز می‌شود که به شیوه همانند، و نه یکسان، با شیوه چشم انسان «می‌بیند». مثلاً، دوربین موضوع را در میان میدان بسته مجزا نمی‌سازد، آن سان که چشم چنین می‌کند، بلکه همه چیز را در درون این میدان با وضوح تقریباً برابر برای مجموعه اجزاء می‌بیند. چشم برای این که موضوع را به تمامی ببیند آن را مرور می‌کند، در حالی که دوربین عموماً آن را به تمامی ضبط و ثبت می‌نماید. سپس فیلم وجود دارد که حساسیت آن تنها بخشی از حساسیت چشم را نشان می‌دهد. مرحله‌های دیگر، یعنی مرحله‌های ظهور، چاپ و غیره مشخصه‌های خاص خود را به تصویر عکاسی نهایی می‌دهند. اگر درک کنیم که هر مرحله از فرایند به چه نحو تصویر قطعی را شکل خواهد داد، امکان‌اتمان را در خصوص

۱.۱. کوه ویلیامسن که از زمان‌انار گرفته شده است، کالیفرنیا. برای این عکس، بر روی کفه‌ای که بر سقف اتوموبیل مستقر شده بود قرار گرفتیم؛ از عدسی ۵۰م‌م و فیلم ورقه‌ای ۲۵×۲۰ سم استفاده کردم. دوربین اندکی به سوی پایین مایل شده بود و مکان بالا آمده دوربین امکان به‌دست آوردن میدان بزرگ‌تری را در پیشزمینه میسر می‌ساخت، میدانی که اگر دوربین در سطح زمین قرار می‌گرفت حصول آن ممکن بود.

کنترل کردن آفریننده نتیجه نهایی افزایش می‌دهیم. اگر موفق به درک کردن وسیله نگردیم، یا اگر کنترل آن را به هر گونه خودکاری واگذاریم، به جای آن که خود ما نتیجه را به منظور حصول هدف مورد جستجو کنترل کنیم، دستگاه را دردیکنه کردن آن آزاد می‌گذاریم. اصطلاح خودکاری در اینجا به گسترده‌ترین معنی گرفته شده، نه فقط برای معرفی کردن دوربینهای خودکار، بلکه همچنین برای هر گونه نحوه عمل کردن خودکارانه، یعنی از جمله پذیرش اندیشه نشده توصیه‌های سازندگان در خصوص شاخص حساسیت فیلم و ظهور آن. تمامی این توصیه‌ها مبتنی بر میانگین اوضاع گوناگونند، و می‌توانیم انتظار داشته باشیم که نتیجه‌های مقتضی را تنها در موقعیتهای میانگین به دست دهند؛ این توصیه‌ها به ندرت یا تنها به طور اتفاقی به نتیجه‌های بهینه راه می‌برند. اگر هنگامی ما فراسوی حد میانگین واقع گردند، باید شیوه‌ها را کنترل کنیم و از آنها به صورت آفریننده استفاده نماییم.

به میزانی که در درک تنظیمهایی که در اختیار ما هستند پیش می‌رویم، می‌توانیم گامی به جلو برداریم و آنها را به صورت ذهنی پیش از انجام عکسبرداری «به کار بندیم». با شناختن اثرهای مرحله‌های مختلف فرایند، می‌توانیم بکوشیم موضوع را آنچنان که در چاپ نهایی نمودار خواهد شد ببینیم، آن گونه که به واسطه تأثیر دوربین، فیلم و ظهور تغییر شکل می‌یابد، می‌توانیم چندین نمایش مختلف از یک موضوع تنها را پیش‌نگری کنیم و آن یک را که به مقاصد شخصی و هنری ما از همه نزدیک‌تر است به دست آوریم. مسلماً هر قدر امکانات ما ظریف‌تر گردند، نتیجه‌ها حساس و دقیق‌تر خواهند شد. پیش‌نگری در بالاترین درجه خود چنین است، اثر بخش و آفریننده.

نخستین دشواری که بیشتر عکاسها باید با آن روبه‌رو شوند این است که با نگاه کردن به موضوعی رنگی، آن را به صورت تصویر چاپ شده‌ای بارنگدَرجه‌های مختلف خاکستری «ببینند».

توانا شدن در این کار زمان می‌خواهد، اما فنون بسیاری وجود دارند که می‌توانند در این راه به شماری یاری رسانند. در صورت امکان، با عکسی از موضوع به محل آن بازگردید و دو مجموعه را با یکدیگر مقایسه کنید. نحوه‌ای عالی برای به کار بستن این تمرین، استفاده کردن از فیلم پولاروید سیاه و سفید است، زیرا تصویر چاپ شده می‌تواند بلافاصله در برابر خود موضوع بررسی شود. کم‌نوردهیها و پُر نوردهیهای عمدی نیز یاری خواهند رساند تا ببینید تغییرهای رنگدَرجه‌های هر بخش از موضوع چگونه صورت می‌پذیرند. با این همه، فیلمهای پولاروید دارای همان سلسله مراتب رنگدَرجه‌های فراورده‌های عادی چاپ نیستند و بنابراین باید در حدود عادی، همچون تقریبی از نتیجه نهایی به شمار آیند؛ تصویرهای چاپ شده پولاروید می‌توانند به خودی خود زیبا باشند. کاربرد صافی دیدراتن شم ۹۰ را توصیه می‌کنم، که بیشتر نمودهای رنگها را در هنگام بررسی موضوع از میان می‌برد، و حالت رنگدَرجه‌های

خاکستری را که با فیلم تمام‌مقام بدون استفاده از صافی حاصل می‌گردد به‌وجود می‌آورد.

مانع عمدهٔ دیگر برای عکاس مبتدی این است که پیش‌نگریستن دنیایی سه‌بعدی را که به‌صورت دو‌بعدی بر روی عکس ضبط می‌شود فرا بگیرد: این اندیشه با موضوع کتاب حاضر که از کنترل رنگ‌درجه‌های تصویر بحث نمی‌کند بیشتر ارتباط دارد. دوربین، سطح انتزاع خاص خود («شروع از واقعیت») چنان که در برابر دیدگانمان آن را می‌بینیم) را به عکس منتقل می‌سازد، و مثلاً کیفیتهای شکلی و مقیاسی را که غالباً با ادارک دیداری ما تفاوت دارند به آن به‌عاریت می‌دهد. من از اصطلاح آرایش تصویر برای معرفی نمودن ملاحظات و تنظیمهایی استفاده می‌کنم که بر تصویر نوری که روی شیشهٔ مات یا در منظره‌یاب دیده و روی فیلم افکنده می‌شود تأثیر می‌گذارند. اگر مشخصه‌های بدنه و عدسی دوربین را عمیقاً درک کنیم، می‌توانیم پیش‌نگریستن تصویر نوری را فرا بگیریم. در فصلهای آتی برخی از فنون، همچون کاربرد راهنمای قابگیری، را ذکر خواهیم کرد که به درک کردن این جنبه از پیش‌نگری یاری خواهند کرد.

نمی‌خواهم این احساس نادرست را به‌وجود آورم که فرایند پیش‌نگری دشوار یا غامض است. در واقع، برخی از عکاسها هنر پیش‌نگریستن را به‌طور شهودی دارا هستند، حتی اگر آگاهانه نمی‌اندیشند یا اگر از این اصطلاح استفاده نمی‌کنند. برای دیگران تلاشهایی لازمند؛ با این همه، برای کسی که منظم‌اطی سالیان بسیار عکاسی می‌کند، این امکان وجود دارد که به‌درکی از فرایند و وسایل نایل آید که با درکی که مفهوم پیش‌نگری فراهم می‌آورد قابل قیاس باشد. امیدوارم با بحث کردن دربارهٔ پیشهٔ عکاسی و فنون آن، و نیز دربارهٔ فرایندهای ذهنی که از آنها نتیجه می‌شوند، قادر باشم عکاسانی چند را یاری رسانم تا در کمترین زمان و با ناکامی بسیار کمتر از آنچه در برخوردی تردیدآمیز لازم می‌آید، وسیلهٔ خود را عمیقاً درک کنند.

بدون هیچ‌گونه شکلی، کاربرد اتاقک عکاسی ۴×۵ یا ۸×۱۰ اینچ مستلزم شیوهٔ دیدنی است که با شیوهٔ دیدن دوربین ۳۵ م‌م که در دست گرفته می‌شود تفاوت دارد. به‌طور آرمانی، عکاس سبکی شخصی را نمودار می‌سازد و با دوربینی کار می‌کند که قطع آن با سبک وی مطابقت دارد. اما عکاسی که نوعهای مختلف دوربینها را به کار می‌گیرد، پی خواهد برد که بنا بر آن که از دوربینی کوچک به‌جای دوربینی بزرگ استفاده کند یا به‌عکس، غالباً دریافت وی عوض می‌شود. شناختن مشخصه‌های هر نوع دوربین می‌تواند به‌ماریاری رساند تا مزیت‌های آن را ارزیابی کنیم، در عین این که نقایص آن را نیز در موقع خود بپذیریم. برای توصیف نمودن تمامی کارهای دوربین عکاسی، از ساده‌ترین دوربین شروع خواهیم کرد.